بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامى در ديدار اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادى خرّمشهر - 1 /خرداد/ 1381

بسم الله الرّحمن الرّحيم
به همه شما برادران و خواهران عزيزي كه در اين جلسه صميمي و باصفا حضور داريد، خوشامد عرض مي كنم و سالگرد حادثه بسيار مهم و ماندگار پيروزي در جبهه خرمشهر و برگرداندن اين شهر به پيكر خونين كشور به وسيله دلاوران مؤمن ارتش و سپاه و نيروهاي جان بر كف بسيج را به همه رزمندگان و ايثارگران و خانواده هاي همه شهيدان و جانبازان تبريک مي گويم. امروز اين سالگرد مبارک، مبارکتر و فرخنده تر شده است ؛ به خاطر اين كه با روز آغاز امامت و ولايت مولا و سيّد ما حضرت بقيةالله ارواحنافداه وعجّل الله تعالي فرجه الشّريف مقارن شده است. اميدواريم اين ملت و اين كشور، هميشه مشمول بركات ادعيّه زاكيّه آن بزرگوار و توجّهات عطوفانه آن مولاي كريم بوده باشند.
واقعه خرمشهر از دور فقط يک حادثه تاريخي است كه براي ملت ايران هيجان آور و افتخارآميز است ؛ ولي از نزديک، اين قضيه شبيه يک معجزه بزرگ بود. وقتي رژيم عراق با تشويق دولتهاي دشمنِ انقلاب به مرزهاي ما حمله كرد، هدفگيري دقيقي كرده بود. خرمشهر، قدمِ اوّل و بسيار مؤثر از اين هدفگيري بود. هدف آنها به طور خلاصه اين بود: با خود فكر كرده بودند با پيروزي انقلاب، ايران اوّلاً نيروي مسلّحي ندارد كه از مرزها دفاع كند ؛ ثانياً سامان اداري و اجتماعي درستي ندارد تا بتواند به دفاع از كشور و منافع ملي بپردازد ؛ ثالثاً در دنيا انقلاب طرفداري ندارد. يک طرف امريكا بود، دشمنِ پر از حقد و كينه عليه انقلاب - چون انقلاب سلطه امريكا را بر اين كشور از بين برده بود، بنابراين از غضب و كينه بر انقلاب و نظام اسلامي پُر بودند - يک طرف هم شوروي سابق بود ؛ آن هم با دلايل ديگري عليه انقلاب اسلامي. اين دو ابرقدرت كه در دهها مسأله با هم اختلاف داشتند، در دشمني با ايران با يكديگر اتّحاد كلمه داشتند و هر دو به رژيم عراق صميمانه و با همه وجود كمک و از آن دفاع مي كردند! ناتو و قدرتهاي اروپايي به عراق كمک كردند ؛ هواپيما دادند، بمب دادند، تانک دادند، وسايل شيميايي دادند، هليكوپتر دادند، موشک دادند. اروپاي شرقي نيز كه آن روز زير سيطره حكومت شوروي و وابسته به آن بود، هرچه عراق مي خواست، به او داد. بنابراين يک طرف عراق بود با حمايت امريكا و شوروي و ناتو و ورشو - كه همان پيمان اروپاي شرقي و كشورهاي بلوک كمونيست بود - و همچنين دولتهاي عربي منطقه كه پول و سلاح و امكانات و مشاور نظامي و هرچه دولت بغداد براي رسيدن به هدفهاي خود در اين حمله احتياج داشت، بي دريغ در اختيار او قرار مي دادند ؛ يک طرف هم نظام جمهوري اسلامي بود.
امريكا با اين نظام بد بود و براي اين كه اين نظام از بين برود، لحظه شماري مي كرد. شوروي هم با اين نظام بد بود ؛ اروپاييها هم با آن هيچ گونه رابطه اي نداشتند و هيچ دلسوزي اي براي آن نمي كردند ؛ دولتهاي مرتجع هم به گونه ديگر. امكانات مالي كشور، بسيار ضعيف ؛ نيروهاي مسلّح، نامنسجم ؛ وسايل نظامي، بعضي كهنه و فرسوده و بعضي منتظر قطعه اي بود كه به ما نمي فروختند. هواپيما داشتيم، قطعه نداشت ؛ تانک داشتيم، قطعه نداشت و دنيا به ما نمي فروخت ؛ در داخل هم از اين وسايل هيچ چيز توليد نمي شد.
در چنين وضعيتي، طبيعت قضيه چيست؟ طبيعت قضيه همان چيزي است كه عراق پيش بيني كرده بود: با يک حمله بيايد ابتدا خرمشهر را بگيرد، بعد اهواز را بگيرد، بعد دزفول را بگيرد و در نهايت خوزستان را از ايران جدا نمايد ؛ سپس شروع به چانه زني كند. خوزستان را تا آخر پس ندهد، منابع نفتي كشور را در اختيار بگيرد و بعد هم دولت انقلاب را از موضع ضعف و ذلّت پاي ميز مذاكره بنشاند. اين، نقشه رژيم عراق و در حقيقت نقشه امريكا و شوروي بود.
در قدمِ اوّل، نيروهاي عراقي پيشرفتهايي كردند و تا سيزده چهارده كيلومتري اهواز هم رسيدند ؛ اما وقتي خواستند به خرمشهر - كه مرز نزديكتر بود - حمله كنند، دچار مانع شدند. علّت هم اين بود كه نيروهاي مردمي، جوانان مؤمن

و مرد و زن انقلابي وارد ميدان شدند ؛ يعني در اين جا انقلاب شروع كرد خود را نشان دادن ؛ بنابراين دشمن نزديک اهواز زمينگير شد. آن جا نيروهاي مسلّح و ارتش و نيروهاي مردمي پشت سر هم مثل كوه در مقابل دشمن ايستادند و اين اوّلين تودهني اي بود كه به آنها زده شد. اما غم، دل ملت ايران را گرفته بود ؛ چون هزاران كيلومتر از خاک كشور زير چكمه دشمن قرار داشت. بنده در ماههاي اوّلِ جنگ، در همان مناطق بودم ؛ هم وضع مردم و هم وضع نيروهاي مسلّح را مي ديدم. نيروهاي مسلّح، عازم و جازم بودند ؛ اما غم سنگيني بر دلشان نشسته بود. بتدريج عظمت نيروهاي مردمي، خود را نشان داد. سپاه پاسداران به سرعت خود را سازماندهي كرد و نيروهاي مردمي و بسيج مردمي بتدريج سازمان پيدا كردند ؛ يعني جوهر انقلاب و ايمان در اين ميدان خطر، خود را در اراده و عمل و قدرت مديريّت انسانها نشان داد.

دنياي سياسي - مثل سازمان ملل و امثال آن - با ما چه كرد؟ دنيا از همه طرف فشار آورد كه بنشينيد با عراق مذاكره كنيد و جنگ و مقاومت را متوقف سازيد. اين يكي از نقاط عبرت است ؛ جوانان ما روي اين نقاط خيلي تكيه كنند. ما دولتِ تازه كاري داشتيم كه دو سال روي كار آمده و با چنين حمله سنگيني مواجه شده بود و دشمن در هزاران كيلومتر زمين ما، از جنوبي ترين نقطه تا شمالي ترين نقطه همسايگي با عراق، مستقر شده بود ؛ اما در اين حال به ما مي گفتند بياييد مذاكره كنيد! مذاكره از موضع ضعف و ذلّت و همراه با دست پُر حريف در چانه زني. آن روز اگر مذاكره صورت مي گرفت - كه يک عدّه از سياسيّون، همان روز به امام فشار مي آوردند كه بنشينيد مذاكره كنيد - مطمئناً عراق از بخش عمده خاک ما خارج نمي شد و تا امروز خوزستان و خرمشهر و شايد بسياري از مناطق ديگر همچنان زير چكمه نيروهاي متجاوز بيگانه بود. اما امام ايستاد. منطق امام اين بود كه وقتي متجاوز در خاک ماست و با دست پُر ما را تهديد مي كند، ما مذاكره نمي كنيم. مذاكره آن وقتي صورت مي گيرد كه دشمن از تمام خاک ما خارج شود. امروز عدّه اي ناجوانمردانه اين حقيقت را ناديده مي گيرند. آن روز عدّه اي، از جمله همان روسياهان فراري از كشور كه امروز به دامن امريكا و اروپا و جاهاي ديگر پناه برده اند، از طريق محافل سياسي و روزنامه ها و راديو و تلويزيون - كه در دست آنها بود - مرتّب فشار مي آوردند كه امام بايد مذاكره كند. هيأتهاي بين المللي هم مرتّب به ايران مي آمدند و مي گفتند مذاكره كنيد. امام با الهام از همان بينش روشن، ايمان راسخ، توكل به خدا و قدرت اراده ايستاد و گفت اگر ما توانستيم سرزمينهاي خود را پس بگيريم، آن گاه وقت مذاكره است ؛ امروز وقت مذاكره نيست ؛ عملاً هم همين طور شد.

در چنان شرايطي كه غم، دلها را فرا گرفته و رجزخوانيهاي عراق همه دنيا را پُر كرده بود، نيروهاي ما از كمترين امكانات مادّي برخوردار نبودند. اين كه مي گويم كمترين امكانات مادّي، يک حقيقت است. من فراموش نمي كنم، يكي از سرداران و فداكاران آن روز - كه امروز بحمدالله در همين جلسه حضور دارند - به اتّفاق چند نفر در اهواز پيش ما آمدند و چند قبضه خمپاره انداز مي خواستند تا بتوانند قدري در مناطقِ جلوتر ايستادگي و مبارزه كنند ؛ اما كسي نبود به اينها اين چند قبضه خمپاره انداز را بدهد! ما براي سيم خاردار و گلوله و آر.پي.جي مشكل داشتيم ؛ تانک و نفربر و امثال اينها كه به جاي خود. آنچه در اختيار ملت ايران بود، عبارت بود از يک اراده قوي و نشاط همه جانبه كه برخاسته از ايمان و آگاهي بود. اين كه امام فرمودند «خرمشهر را خدا آزاد كرد»، يعني اين.

خوب است در اين جا ياد شهيد عزيزمان «صيّاد شيرازي» را گرامي بداريم. خيلي از فرماندهان آن روز بحمدالله امروز زنده و سر حال و مشغول انجام وظيفه اند و بعضي هم به شهادت رسيدند. اين شهيد و همكارانش در سپاه و ارتش مجموعه توانايي را تشكيل دادند و عمليات امام رضا، فتح المبين و سپس بيت المقدّس را طرّاحي و اجرا كردند و بتدريج كارايي انقلاب و اسلام و يک ملت مؤمن را در اين منطقه بسيار خطير، مقابل چشم همه گرفتند. هيچ كس در دنيا باور نمي كرد كه نيروهاي مسلّح ما بتوانند خرمشهر را پس بگيرند ؛ چون خرمشهر رفته بود. همين مناظري كه شما امروز مي بينيد اسرائيليها با تانک در جنين به وجود مي آورند، شبيه همين را در خرمشهر ما به وجود آوردند. البته - همان طور كه پدر عزيز شهيد «جهان آرا» گفتند - جوانان ما مقاومت كردند و مدّتي دشمن را پشت در نگهداشتند. حدود چهل روز يا بيشتر، جوانان مؤمن و نيروهاي مسلّح ما توانستند به ارتش عراق تودهني و او را پس بزنند ؛ ولي بالاخره بسياري شهيد شدند و خرمشهر از ملت ايران غصب شد.

وقتي نيروهاي مسلّح ما در عمليات بيت المقدّس با تدبير، روشن بيني، اراده برخاسته از ايمان، توكل به خدا، استفاده ي از همه امكانات - يعني نگذاشتند جزئي از امكانات هدر برود - و با تكيه به نيروي خود و اعتماد به خداي متعال حركتشان را شروع كردند، هيچ كس در دنيا باور نمي كرد اينها بتوانند خرمشهر را آزاد كنند ؛ اما توانستند. وقتي ما اعلام كرديم خرمشهر را پس گرفته ايم، تا يكي دو روز خبرگزاريهاي دنيا حاضر نبودند اين خبر را پخش كنند - با چشم ترديد به آن نگاه مي كردند - اما اين اتّفاق افتاد و آخر هم همه مجبور شدند به اين پيروزي اذعان كنند. در اين عمليات، رزمندگان ما بيش از پانزده هزار اسير عراقي گرفتند و به اردوگاههاي اسرا به عقب جبهه فرستادند. البته خرمشهر آزاد شد ؛ اما بسياري از سرزمينهاي ما همچنان در زير پاي دشمن بود. مهران و نفت شهر و صدها شهر و روستاي ما در طول مرز مغصوب بود.

در همين خلال، كساني كه حاضر نبودند براي انقلاب و منافع اين كشور يک قدم بردارند، بلكه فقط بلد بودند نق بزنند و عليه انقلاب بهانه گيري كنند، باز فشار مي آوردند كه جنگ را تمام كنيد. اگر اراده قوي و مصمّم و ايستادگي امام نبود، مطمئناً جنگ جز با پيروزي دشمن تمام نمي شد. همين نفسهاي خبيثي كه آن روز اين وسوسه ها را در كشور مي دميدند، امروز هم بعضي شان سر بلند كرده اند و همان حرفها را تكرار مي كنند و مي گويند چرا بعد از فتح خرمشهر آتش بس را قبول نكرديد؟! بعد از فتح خرمشهر، هنوز بخش عظيمي از سرزمينهاي ما - مرزها و شهرهاي ما - و نيز گروه كثيري از مردم ما در اختيار رژيم متجاوز بودند. تهديد بالاي سر مرزهاي ما بود و دشمن از همه طرف تجهيز مي شد. بايد شرّ دشمن از سر مرزها كم مي شد ؛ اين يک بينش خردمندانه بود. آن روز همه دلسوزان كشور، از مسؤولان نظامي و غيره، اين منطق را براي همه اثبات مي كردند. امام يک انسان منطقي بود و تصميم گرفت و عمل كرد و به فضل پروردگار توانست ملت ايران را سرافراز كند.

كساني كه به عزّت مردم ايران و استقلال كشور و شرف و كرامتي كه اين ملت براي آن ارزش قائل است، اهميت نمي دهند، آن روز و امروز و در طول سالها، هميشه با توصيه هاي ناجوانمردانه و بُزدلانه خود سعي كرده اند ملت ايران را ذليل و ضعيف كنند ؛ هميشه هم تكيه شان به اين است كه ما نمي توانيم! در دل خودشان ضعف موج مي زند ؛ اما اين را به ملت ايران نسبت مي دهند. در دل خودشان فروغ ايمان نيست ؛ اين را به مردم مؤمن نسبت مي دهند. اين جفاي به مردم مؤمن است. ملت ما ثابت كرده آن جايي كه پاي شرف، كرامت و دفاع از ارزشهاي كشور و ارزشهاي والاي اسلامي در ميان است، از همه توان خود استفاده و دشمن را مغلوب مي كند.

بعضي خيال مي كنند وقتي گفته مي شود تكيه به ايمان و ايثار، معنايش اين است كه خود را براي فدا شدن آماده كنيد ؛ نه. تكيه به ايمان و ايثار معنايش اين است كه با ايماني كه در دل انسان وجود دارد و با اتّكال و اتكايي كه به خدا هست، همه نيروهاي انسان به كار بيفتد. اين نيروها مي توانند علم بيافرينند، تجربه بيافرينند، توليد كنند و پيچيده ترين صنعتها را به وجود آورند ؛ همچنان كه به وجود آوردند. ما از اوّل انقلاب هر جا به ايمان خود تكيه و به احكام اسلام عمل كرديم، پيروز شديم ؛ چه در جبهه علم، چه در جبهه سياست، چه در كارهاي اقتصادي و چه در كارهاي نظامي. آن جايي كه شكست خورديم و پا در گِل انديم و ضعيف شديم، وقتي بوده است كه از اسلام فاصله گرفته ايم. اين را دشمن خوب فهميده است.

دشمن راز پيروزي ما در خرمشهر و خرمشهرها را به چشم ديد و فهميد اين ملت اگر پرچم اسلام و ايمان را برافراشته نگهدارد، در همه ميدانها پيروز خواهد شد ؛ بنابراين سعي كردند اين پرچم را سرنگون كنند. امروز همه تلاش امريكا و دستگاه و جبهه استكبار اين است كه عنصر قدرت و قوّت و مقاومت را از ما بگيرد ؛ يعني مي خواهد ايمان و اتّكاءِ به نفس و اميد و اتّحاد را در ما تضعيف كند. ملتي كه ايمان و اتحّاد نداشته باشد و نسبت به آينده مأيوس باشد، پيداست كه در همه ميدانها شكست خواهد خورد ؛ در سياست هم شكست مي خورد، در اقتصاد هم شكست مي خورد، در سازندگي كشور هم شكست مي خورد. آنها مي خواهند اينها را از ما بگيرند. اوّلين ضربه اي كه مي زنند، اين است كه ملت را از خود مأيوس كنند.

امروز عدّه اي متأسفانه كارشان اين شده است كه مرتّب دشمن را بزرگ و خود را كوچک كنند، عظمت دشمن را به رخ همه بكشند و دائماً بگويند ما نمي توانيم! يعني ما هم مثل خيلي از كشورها و دولتها بايد برويم در هاضمه استكبار

جهاني هضم شويم! اينها اشتباه مي كنند ؛ خودشان ضعيف و از درون پوكند - يا پوک بودند يا پوک شدند - لذّتهاي دنيا آنها را پوک كرده است ؛ دنياطلبي آنها را بي ارزش و بي هويّت كرده است ؛ بنابراين خيال مي كنند همه مثل آنهايند. نخير ؛ اين ملت توانا و اميدوار است ؛ بيخود دل ملت را نلرزانند و مرتب نگويند ما نمي توانيم و قدرت حركت نداريم. چرا، اين ملت قدرت حركت دارد ؛ اين ملت اسلام دارد ؛ اين ملت ابزار و وسيله بسيار مؤثر ايمان را دارد ؛ اين ملت اتّحاد حقيقي و قلبي خود را با مسؤولان كشور دارد. اين رشته اتّحاد مقدّسي كه با پيوندهاي ايمان و عاطفه محكم شده است، در كمتر جايي از دنيا شبيهش مي شود پيدا كرد.

ما به فضل پروردگار مشكلات را برطرف مي كنيم و مي توانيم دشمن را سر جاي خود بنشانيم. دشمن هر چه هم از لحاظ ابزار نظامي قوي باشد، در مقابل يک ملت منسجم و مؤمن و داراي اميد به آينده، هيچ غلطي نمي تواند بكند. البته ما مسؤولان بايد به وظايف خود عمل كنيم ؛ دولت و قوّه قضاييّه و مجلس بايد به وظايف خود عمل كنند. هر كس امروز از وظيفه اصلي خود سرپيچي كند و خود را به كار ديگري مشغول و سرگرم سازد و از انجام وظيفه شانه خالي نمايد، خيانت كرده است و دچار لعنت ابدي خواهد شد. ما مسؤولان بايد روح اسلامي را در خود زنده نگهداريم ؛ روح اشرافيگري را دور بيندازيم و رشته سودجويي و ثروت طلبي و دنبال منافع شخصي دويدن و تجمّل پرستي و امثال اينها را از دست و پاي خود باز كنيم. اگر گرفتاريهاي ما در بخشي حل نشده است، علّتش اينهاست ؛ اينها را بايد اصلاح كنيم.

عدّه اي با دستشان به پاي خود رشته هايي را مي بندند و گره هايي را به وجود مي آورند ؛ خود را از قابليت استفاده براي اين ملت و آرمانهاي او مي اندازند و بعد هم اسلام و نظام اسلامي و احكام اسلامي را متّهم مي كنند.

ناجوانمردي از اين بيشتر؟! بعضي در دلِ خود احساس ضعف مي كنند، يا چشم غرّه هاي امريكا آنها را مي ترساند، يا وعده هاي امريكا و امثال امريكا دل ضعيف و ناتوانشان را به خود جذب مي كند ؛ لذا به سمت امريكا مي كشند. آن گاه ملت و جوانان مؤمن و مديران باايمان و باصفاي كشور را متّهم مي كنند كه اينها نمي توانند ؛ بنابراين ناچاريم برويم تسليم امريكا شويم! كساني كه دم از مذاكره با امريكا مي زنند، يا از الفباي سياست چيزي نمي دانند، يا الفباي غيرت را بلد نيستند ؛ يكي از اين دو تاست. در حالي كه دشمن اين طور اخم مي كند، اين طور متكبّرانه حرف مي زند، اين طور به ملت ايران اهانت مي كند، تصريح هم مي نمايد كه مي خواهد عليه اين نظام و اين كشور و منافع آن اقدام كند، عدّه اي در اين جا ذليلانه و زبونانه مي گويند: چه كار كنيم ؛ برويم، نرويم، نزديک شويم، با آنها صحبت كنيم، در خواست كنيم، خواهش كنيم؟! اين اهانت به غيرت و عزّت مردم ايران است ؛ اين نشانه بي غيرتي است ؛ اين سياستمداري نيست. سعي مي كنند رنگ و لعابي از فهم سياسي به كار خود بدهند ؛ نه، اين درست ضدّ فهم سياسي است.

ملت ايران آرمانها و مقاصدي دارد كه در دنيا هر كس به اين مقاصد و نيز به ملت ايران احترام گذاشته و نظام جمهوري اسلامي را قبول كرده، ملت ايران در طول زمان با او مثل يک طرفِ برابر و مساوي وارد ميدان مذاكره و معامله شده است. ما با شوروي هم ارتباطات داشتيم، با اروپا و همه دنيا هم ارتباطات داريم. مسأله امريكا اين است كه هويّت اسلامي و ملي ما را قبول ندارد و اين را به زبان مي آورد. چرا عدّه اي از مدّعيان سياست و فهم، نمي فهمند؟! واقعاً جاي تأسّف است. حكومتي كه اين طور صريحاً مي گويد مي خواهم عليه نظام اسلامي و خواستِ ملت ايران عمل كنم و براي براندازي اين نظام بودجه مي گذارد، ارتباط و مذاكره با آن، هم خيانت و هم حماقت است!

از خداوند متعال مي خواهيم كه همه ما را هدايت فرمايد و دلهاي ما را به نور معرفتش روشن كند ؛ بركات وجود مبارک ولي عصر ارواحنافداه را بر سر همه ما بگستراند و ما را از سربازان و جانبازان و فداييان و خدمتگزاران آن بزرگوار قرار دهد ؛ ملت ايران را سربلند فرمايد و رزمندگان و ايثارگران عزيز را مشمول بركات خود قرار دهد.

والسّلام عليكم و رحمةالله و بركاته